

در گرامیداشت جانباختگان ۳۰ خرداد ۶۰

بنیانگذار جانی حکومت اسلامی، یکی از عظیم ترین فجایع تاریخ بشری را سازمان دادند تا مردم بحرکت درآمده برای رفاه و آزادی و برابری را به خاک و خون بکشند. کمونیستها، رهبران شوراها کارگری، فعالین سازمان های سیاسی، مردم مخالف کرور کرور دستگیر و در دادگاههای صحرانی به اعدام محکوم شدند. هر کس که شکل و شمایلش اسلامی نبود دستگیر میشد. در عرض چند روز هزاران نفر

صفحه ۲

اسلامی، به جرم مبارزه برای رفاه و ایجاد یک زندگی انسانی، با قساوت تیر باران کردند و فقر و فلاکت و بیحقوقی را به ۶۰ میلیون انسان تحمیل کردند. رفسنجانی ها و خامنه ای ها به همراه بهزاد نبویها و محتشمی ها، لاجوردی ها و صفوی ها در کنار محسن رضائی ها و خلخالی ها، گیلانی ها و ری شهری ها در کنار خوئیینی ها و حجابیان ها، پشت سر خمینی

خوئین و همه جانبه به مردم و آزادیهای سیاسی شروع شد و بدینترتیب سرکوب مردم به حرکت درآمده برای رفاه و آزادی که توسط حکومت شاه ناتمام مانده بود توسط اوباش اسلامی به سرانجام رسید. جمهوری اسلامی نه محصول انقلاب ۵۷ که محصول سرکوب مردم پیاخاسته است. از این مقطع به بعد بیش از صد هزار انسان را به جرم آزادیخواهی، به جرم تسلیم نشدن به قوانین ارتجاعی

۳۰ خرداد سال ۶۰ روز شروع یک نسل کشی عظیم توسط جمهوری اسلامی است. در ادامه دو سال و نیم چماقداری و چاقوکشی، در ادامه به خاک و خون کشیدن مردم کردستان و ترکمن صحرا، در ادامه سرکوب مداوم شوراها و اعتراضات کارگری، در ادامه هجوم هر روزه به نیروهای چپ و کمونیست و حمله باندهای چاقوکش و لمپن حکومت به زنان، هجومی

۳۰ خرداد، نفرت

از اسلام سیاسی

صفحه ۲

مدنیت در

کردستان عراق

معضلی حل نشده

صفحه ۴

موقعیت ما، مصافها و چشم انداز آتی کارمان

سخنرانی در نشست دوم شورای کادرهای تشکیلات

کردستان حزب- اردیبهشت ۸۱ - بخش اول

قول پایین از زبان یکی از مهره‌های رژیم در این پروژه گویای هدف مورد نظر سران رژیم اسلامی بوده و هست. "بهرام ولدبیکگی" در مصاحبه با اولین شماره فصلنامه کردستان، نشریه انستیتوی کرد که خود سردبیری آن را به عهده دارد، چنین میگوید: "مردم کردستان در دوره دوم انتخابات ریاست جمهوری آقای رفسنجانی به منظور اعلام موضع اعتراضی و سیاسی، به احمد توکلای رای دادند و در این دوره انتخابات در کردستان آقای رفسنجانی رای دوم آورد. در آن مقطع رحیمی نماینده شهر سنندج در مجلس شورای اسلامی بود. رفسنجانی به او گفته بود، که چرا مردم کردستان به او رای نداده‌اند؟ لازمست علتش را بررسی کنی؟ در این رابطه رحیمی چند نفر کرد را در تهران به جلسه‌ای دعوت کرد. در آن جلسه همه گفتیم که دولت به مردم کرد پشت

صفحه ۲

طولانی کردن عمر رژیم بتواند تکرار شود. امروزه از هر زمانی بیشتر کلیت رژیم زیر ضرب است. نه تنها از جانب ما و نیروی آزادیخواه و پیشرو جامعه ایران، بلکه بخشهایی از شاخ و برگهای جناحی خودشان دارند از کلیت رژیم "عبور" میکنند. در کردستان از همان اوایل سرکار آمدن جمهوری اسلامی تاکنون، هیچگاه رژیم اسلامی نتوانست پایگاهی در میان مردم داشته باشد. دوره طولانی و تا مقطع پایان جنگ ایران و عراق، راه حل آنها در کردستان فقط و فقط لشکرکشی و سرکوب و کشتار و اعدام جمعی بود. بعد از ایندوره متوجه شدند فقط سرکوب کارایی ندارد، علاوه بر حفظ سیاست سرکوب مانورهای دیگری هم معنا پیدا کرد. مهمترین این حيله و مانور، حربه په اصطلاح "کشایش فرهنگی" و اهمیت دادن به فعالیت "فرهنگی" به زبان کردی جهت محکم کردن پایه‌های رژیم اسلامی در کردستان بود. نقل

قدرت رساندن جنبش و حزب خود نقشه میریزند. تمرکز ما هم روی همین موضوع است. اما اجازه بدهید بدوا به موقعیت جمهوری اسلامی در کردستان اشاره داشته باشیم. سرنوشت جمهوری اسلامی و بنیست همه جانبه آن بر همگان روشن است. حزب ما به تفصیل و از جوانب مختلف به آن پرداخته است. تعیین تکلیف جمهوری اسلامی در کل ایران اتفاق میفتد و جریان ما خود نیروی تعیین کننده این تعیین تکلیف در سطح سراسری است. حکومت اسلامی در بدترین دوران حیات سیاسی خود بسر میبرد. علاوه بر بسیاری دلایل، مهمترین دلیل آن در این مقطع شکست پروژه‌ایست که حدود ۴-۵ سال برای این رژیم عمر خرید. منظورم پدیده موسوم به دوم خرداد است. طبعاً این به معنای پایان ترفندهای بعدی جمهوری اسلامی نیست. اما بعید میدانم ترفندی مشابه دوم خرداد با ابعاد تاثیرات آن در راستای



رحمان حسین زاده

این مبحث را تحت این عنوان میتوان در مقاطع مختلف مطرح کرد. اما اینجا در مقطع خاصی و در چارچوب تحولات سیاسی کردستان ایران در دوره معینی مطرح میشود. این را هم تاکید کنم که قصد من پرداختن به جوانب متنوع تحلیلی و سیاسی این مبحث نیست، بلکه بر محورهای مهم و معینی تاکید میکنم و در نظر دارم استنتاجات سیاسی و عملی مربوط به چشم‌انداز کار و فعالیت دوره‌آتی را از آن داشته باشم.

در دوره‌ای به این مبحث میپردازیم که حزب ما و بخش پیشرو جامعه و به نظر جنبشها و احزاب سیاسی جدی دوران بعد از جمهوری اسلامی را مد نظر دارند و برای به

ایسکرا

سردبیر: ایرج فرزاد

iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵

فاکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S

Box 15203

104 65 Stockholm

پست گيرو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

رادیو انترناسیونال

هر شب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

طول موج

۳۱ متر برابر با

۹۹۴۰ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷

روزهای یکشنبه

نیم ساعت به

زبان کردی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

۰۰ موقعیت ما، مصافها

کرده و همه کاربدستان کردستان غیرکرد هستند و مردم از طریق این انتخابات پیام سیاسی خود را اعلام کرده‌اند و خواستار تغییر هستند. وقتی که رحیمی گزارش جلسه را به رفسنجانی داده بود، نامبرده به رحیمی گفته بود، که شما نماینده آن مردم و خودت هم اهل کردستان هستی، باید مثل استاندار به کردستان برگردی. از آن روز بنا به پیشنهاد نمایندگان کرد در مجلس من هم (بهرام ولدبیکگی)، برای فعالیتهای

فرهنگی تعیین شد، و به سنجید برگشتن و با هدف خدمت به فرهنگ ملت کرد مشاور فرهنگی استاندار شدم. (ترجمه از متن کردی به فارسی)

به دنبال ولدبیکگی میگوید که کنگره‌ها و سمینارات، سازمان دادند، نشریه "ناویفر" و نشریات دیگر راه اندازی شد. انستیتوی کرد ایجاد شد. پل ارتباط فرهنگی با کردستان عراق و با بعضی شخصیت‌های کرد در خارج کشور برقرار شد. این گفته‌ها خودش گویا و هدف رژیم

اسلامی از راه‌اندازی و حمایت از این پروژه فرهنگی را نشان میدهد. نکته قابل توجه اینست که ناسیونالیسم کرد از این ترغیب و توطئه با کمال میل استقبال نموده و مشخصا حزب دمکرات تحت نام "گشایش فرهنگی و آگاهی ملی" از نهادها و شخصیت‌های اسلامی - ملی وابسته به جمهوری اسلامی حمایت مینماید. این مسئله بار دیگر فصل مشترک ارتجاع ناسیونالیسم و اسلام را به وضوح نشان میدهد. بد نیست بدانید "سازمان زحمتکشان"

انشعابی از کومهله افراطی‌تر از حزب دمکرات و برای جبران از قافله عقب ماندن در گذشته از این حزب جلو زده و با تمجید و تقدیس "جنبش نوین فرهنگی" به لشکر سیاه این کمپین ملی اسلامی تبدیل شده است.

در برابر این ارتجاع سیاسی - فرهنگی و در مقابل این اشتراک منافع ناسیونالیسم و اسلام ما صف متفاوتی را گشودیم.

بطور خلاصه: به حکم وضعیت ضعیف رژیم اسلامی در کل ایران، فعل و انفعالات سیاسی

و گسترش مبارزه و اعتراضات امید بخش و نقش مهم کمونیسم و چپ و رادیکالیسم در جامعه کردستان، هم ابزار سرکوب رژیم کارایی گذشته را ندارد، هم پروژه "سیاسی - فرهنگی" آن به اهداف نرسید و میتوان گفت شکست خورده است. پرونده سرنگونی جمهوری اسلامی باز است. علاوه بر ناظر بودن همان روندهای وضعیت عمومی سراسری در کردستان، لازمست در نظر داشت در بطن این اوضاع



۳۰ خرداد، نفرت از اسلام سیاسی



نسان نودینان

جامعه در آن بدست انسان و آزادیخواهی و سوسیالیسم رقم زده شود، مشترک بودیم. همه چیز در گرو تلاشهایی شبانه روزی بود. آرمانخواهی و فضای انقلابی روحیات انسانی و انسانیت فضای جامعه را در روزهای ۵۷ فضای پوشانده بود. برای مقابله با این فضا و برای سرکوب و از بین بردن نسل انقلابیون و کمونیستها و آزادیخواهان، خمینی مرتجع و آخوند متنفر از زن و انسان و جمهوری اسلامی را آوردند. کاری که رژیم پهلوی از اجرا کردن آن عاجز شد. و عقب نشست! خمینی را از کربلا و نجف به لوشاتو و تهران اعزام کردند. هویز و بی‌بی سی و ارتش میلیون دمکرات را برای سرکوب انقلاب به یاری طلبیدند. سرکوب انقلاب برای این ضد غرب و بی‌بی سی و ارتش و بورژوازی قرار گرفته بود نزدیک به دو سال طول کشید. فاصله قیام ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۶۰، ادامه فضای سیاسی و ارج نهادن به دستاوردهای انقلابی و فضای چپ و آزادیخواهی جامعه است. خمینی و جمهوری اسلامی بدون توسل به سرکوب و سرکوب و خونین نمی توانستند به حاکمیت ادامه دهند. میبایست رسالت ناتمام دستگاه های سرکوب و ساواک و ارتش استبداد سلطنتی را ادامه دهند. باید زنان و سکولاریسم، چپ و کمونیسم و صدای آزادیخواهی را سرکوب کنند. در ۳۰ خرداد ۶۰ با سرکوب خونین مردم در خیابانها و در تهران هجوم ضد

پیکت و میزهای اطلاعاتی در افشای جنایات جمهوری اسلامی برگزار میشود.

وظیفه انسانهای آزادیخواه و کمونیست است که به صفوف این کمپین بپیوندند. و صدای اعتراض و نفرت و انزجار از سرکوبگرترین رژیم جنایتکار در تاریخ بشریت را با حزب کمونیست کارگری یکی کنند.

اگر در انتخابات خاتمی رئیس جمهور رژیم اسلامی خیل مزدوران جمهوری اسلامی در خارج کشور و خیل عاشقان ملا خاتمی، دوخردادیهای خارج کشور اکثریت و توده‌ای به میهمانی سیاسی سفارتخانه و کنسولگری جمهوری اسلامی برای شرکت در انتخابات دعوت میشدند و شرکت میکردند، در روز شنبه ۱۵ ژوئن وظیفه انسانهای آزادیخواه، مبارز و مخالفین جمهوری اسلامی، مخالفین سنگسار و اعدان و زندان است که در جلوسفارتخانه و کنسولگری جمهوری اسلامی به تعرض و تظاهراتهای حزب کمونیست کارگری بپیوندند. شرکت در این آکسیونها ابراز و اعتراض و نفرت بزرگ و انقلابی است علیه جمهوری جنایتکار اسلامی. و گرامیداشت قربانیان سرکوب خونین ۳۰ خرداد ۶۰ میباشد.

با ما همراه شوید!

انقلابی را آغاز میکنند. کشتار و اعدام دسته‌جمعی و سرکوب خونین براه میندازند. ۳۰ خرداد ۶۰ روز سر کار آمدن ضد انقلاب اسلامی و اسلام سیاسی است. این روز در تاریخ بشریت و انسانیت روز نفرت از اسلام سیاسی و بورژوازی سرکوبگر باید نامگذاری شود. روز بقدرت رسیدن جنایتکارترین و هولناکترین رژیم فاشیستی و انسانکش! روز بقدرت رسیدن اسلام سیاسی بعنوان یک رژیم سرکوبگر و خونین در کنار و در صدر حکومت‌های فاشیستی و ضد بشر در ردیف هیتلر و پینوشه و دولتهای مستبد رواندا و..... هزاران نفر از عزیزانمان، دوست و هم‌زم و کمونیست و رهبر سیاسی در سرکوب ضد انقلاب بورژوا اسلامی جان باختند. با وجود سپری کردن بیش از دو دهه از این وقایع هولناک و دردناک خاطره و یاد عزیزان جان باخته برای ما یادآور قهرمانی و آرمانخواهی انقلابی است.

در خارج کشور و در آلمان حزب کمونیست کارگری ایران، کمپین وسیع و همه جانبه‌ای را در افشای جنایات و سرکوب خونین مردم ایران در ۳۰ خرداد ۶۰ توسط جمهوری اسلامی سازماندهی کرده است. شنبه ۱۵ ژوئن در شهرهای برلین و فرانکفورت جلوسفارتخانه و کنسولگری جمهوری اسلامی تظاهرات سازماندهی شده است. در مراکز شهرهای مختلف آلمان از جمله فرانکفورت، کلن، برلین، برمن، دوسلدورف، اسن، هامبورگ

۰۰۰ در گرامیداشت

تیرباران شدند و اختناق سیاهی بر جامعه حاکم گردید. دو دهه آدمکشی، ترور، بیحقوقی و فلاکت اقتصادی محصول پیروزی خونین جریان اسلامی در جنگ با مردم آزادیخواه بود.

سران دو خرداد نیز تماما در این قتل عام و نسل کشی سهیمند و عنصر فعال این سرکوبها بودند. این جماعت به عبث می‌پندارند که میتوانند این تاریخ سیاه و ننگین رژیم اسلامی را از اذهان جامعه پاک و یا نقش خود را در یکی از بزرگترین فجایع جامعه بشری کمرنگ کنند.

۳۰ خرداد ۶۰ یک هلاکاست اسلامی است. مسببین این قتل عام، سران جمهوری اسلامی، باید به جرم دو دهه جنایت علیه بشریت در دادگاههای مردمی محاکمه شوند. با شرکت در آکسیون های حزب کمونیست کارگری یاد صدهزار جانباخته را گرامی بدارید و یکبار دیگر عزم خود را برای سرنگونی حکومت جنایتکاران به دنیا اعلام کنید.

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری
ایران
۲۲ خرداد ۱۳۸۱
۱۲ ژوئن ۲۰۰۲

**یک دنیای بهتر،
برنامه حزب
کمونیست کارگری
را بخوانید**

•• موقعیت ما، مصافها

سراسری و تاثیرات آن، میتوان وقوع شرایط غیره منتظره و متفاوت از روند سراسری را در کردستان پیشبینی کرد و در قبال آن آمادگی داشت. در این شرایط، طبیعی است تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی مسئله محوری و تعیین کننده است. اما همین کافی نیست، در دوره تمرکز حواس سیاسی بر دوران بعد از جمهوری اسلامی ما باید درک روشنی از آرایش جنبشها و نیروهای سیاسی دخیل در صحنه سیاسی کردستان داشته باشیم. در این دو دهه از یک طرف جنبش کمونیستی و کارگری و قطب چپ جامعه و از طرف دیگر جنبش ملی و ناسیونالیستی و قطب راست جامعه صفبندی سیاسی متفاوت و مقابل هم را شکل داده‌اند، در تقابل و کشمکش با هم بوده‌اند، هر کدام تحولاتی را از سر گذرانده، پیشروی و عقب نشینی و فراز و فرود داشته‌اند. در نتیجه لازمست موقعیت جنبش کمونیسم کارگری و حزب آن را در کردستان و نقش آن را در راستای سرنگونی جمهوری اسلامی و استراتژی و چشم‌اندازی که تعقیب میکند، مجددا بررسی کنیم. همچنین موقعیت جنبش ملی و ناسیونالیستی و مصافهای سیاسی که در تقابل با این جنبش پیشرویمان است بشناسیم.

ب) موقعیت کمونیسم کارگری بدیهی است، جهت شناخت موقعیت خودمان و یا هر جریان دیگر، بدوا از بررسی وضعیت حزب و سازمان نباید شروع کرد. تا آنجا که به ما مربوط است، در وهله اول باید بدانیم جنبش کمونیستی و کارگری در چه موقعیتی است، و حزب به عنوان بخش پیشرو و سازمان یافته آن در کجای آن قرار دارد و در چه وضعیتی است. تازه در این ارزیابی هم اشتباه خواهد بود، تنها از یک مقطع حیات حزب و جنبشمان عکسی بگیریم و

مورد قضاوت قرار دهیم. عراق بوده است. همچنانکه اشاره کردم تغییر و تحولاتی که ما از سر گذرانیم، پدیده‌ای در خود و بی‌ربط به تحولات جامعه نبوده است. جامعه‌ای با شکافهای طبقاتی شفافتر، مطرح شدن توقعات و انتظارات انسانی، رشد فکری و سیاسی بالا، عطش به تغییر ریشه‌ای مبنای تحولات ما بوده است. در یک تصویر عمومی مرز قطب چپ و راست جامعه از هر زمان مشخصتر است و در دل تحولات وسیع و گسترده آتی صف‌آرایی سیاسی شفافتری خواهند داشت. قاعدتا در دوران حاد سیاسی قطب چپ و راست جامعه برجسته‌تر از همیشه در تمایز با هم صف‌آری میکنند، توده کارگر و مردم تحت ستم قطب چپ جامعه و چپ‌ترین نیروی اجتماعی موجود را به عنوان سخنگو و نماینده اهداف و آرزوهای انسانی خود انتخاب میکنند.

نتیجه میگیرم: نقطه قدرت ما این تحولات رادیکال در بطن جامعه و نیروی اجتماعی گسترده‌ایست، که خواهان تحول انسانی و اساسی است. وقتی که در مسائل گرهی جامعه، در مطالبات اساسی توده کارگر و زحمتکش، در آرزوهای زنان و جوانان برای رهایی دقت میکنی، انطباق اساسی آنها را با برنامه و پلاتفرم و راه‌حلهایی را مشاهده میکنی که کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری پرچم آن را برافراشته است. مهم نیست در مواردی فرمولبندیهایمان تماما یکی نیست، اما نقطه عزمیتها و چارچوبهای پایه‌ای یکی است و به یک جنبش متعلقیم. در همین چند ساله اخیر، در مسائل گرهی چون پافشاری بر سرنگونی جمهوری اسلامی، به شکست کشاندن دوم خرداد، تقابل با اسلام و مذهب، مبارزه قاطع با ناسیونالیسم، ارائه راه حل برای معضلات اساسی جامعه چون رفع ستم ملی و حل مسئله ملی در کردستان، به میدان کشیدن مطالبات کارگران، زنان، جوانان و بخشهای تحت ستم جامعه، به روشنی این انطباق و اشتراک منافع را می‌بینیم و ما داریم از آن نیرو میگیریم.

این پدیده‌ها از هر زمان بیشتر به کمونیسم و راه‌حل کمونیستی احتیاج دارند. در کنار این واقعیت پایه‌ای لازمست به پیوستگی نظری و سیاسی مارکسیستی و کمونیستی جنبش ما در دو دهه اخیر، رهبری با دورنما و روشن بین و صفی گسترده از رهبران و کادرهای کمونیست شناخته شده و محبوب و با تجربه و درگیر در مبارزات متنوع سیاسی، اجتماعی، نظامی و تشکیلاتی و تحزب کمونیستی ایندوره با روشن‌ترین برنامه و پلاتفرم را اشاره کرد و جایگاه و ارزش آنها را در مبارزات فی‌الحال و آینده در نظر گرفت. علاوه بر این فاکتورهای اساسی، کارکرد سیاسی و عملی حزب کمونیست کارگری در ۳-۴ سال

آخر و از بین رفتن یکسری محدودیات، موقعیت ما را در کل ایران و در کردستان محکمتر نموده است. برای مثال: ایجاد رادیو و رساندن پیام و برنامه سیاسی خودمان، حضور واحد نظامی در داخل، کار متمرکز در شهرهای کردستان و گسترش فعالیت سیاسی و سازمانی ما در شهرها، وقایع مربوط به کنفرانس برلین، حضور آکتیو حزب در حوزه فعالیتی خارج کشور و در عرصه‌های مختلف مستقیما تاثیر گذار بر فضای سیاسی و مبارزاتی داخل، کمینتها و تقابلهای موفقی که در داخل و خارج سازمان داده‌ایم، و... همه اینها موقعیت ما را محکم کرده است. تا آنجا که به صحنه سیاسی کردستان مربوط است هر ناظر با انصاف حضور فعال ما را به رسمیت میشناسد. آرایش سنتی دمکرات - کومله به هم خورده است. فاکتلهای فراوان این را نشان میدهد، تنها به عنوان نمونه ارزیابی چندماه قبل حزب دمکرات از "انشعابات" در کومله و نحره برخورد این حزب به کمونیسم کارگری همین واقعیت را تاکید میکند. در یک جمله، در این جامعه بخوایم و یا نخواستیم به عنوان نیروی جدی چپ و سخنگوی کمونیسم به وسط صحنه سیاسی پرتاب شده‌ایم. مسئله اینست گذشته هر چه بوده باشد، آینده

اخباری از مبارزه و اعتراض کارگری

* جمعی از کارگران کانون بازنشستگان راه آهن در اعتراض به عدم افزایش حقوقهایشان و همچنین عدم یکسان سازی حقوق بازنشستگان، در مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند. کارگران خواهان رسیدگی به خواستههایشان شدند.

* کارگران کارخانه جهان چیت با اشاره به مشکلات کاریشان طی نامه ای به مجلس اسلامی، خواستار ایجاد تشکلهای مستقل صنفی خود شدند. کارگران گفتند ایجاد تشکلهای مستقل صنفی را حق مشروع خود میدانند. کارگران همچنین گفتند که اگر در اسرع وقت حقوقهای آنان را که از اردیبهشت ماه امسال به بعد به تعویق افتاده است پرداخت نکنند، روز پنجشنبه این هفته در خیابان فدائیان اسلام تجمع خواهند کرد.

* عده ای از جوانان بیکار قروه با پهن کردن توماری در راهروهای مجلس اسلامی خواهان از سرگیری پرداخت وام بیکاری (وام خود اشتغالی) خود شدند. این وام اخیرا توسط دولت و بانک مرکزی قطع شده است.

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مدنیت در کردستان عراق، معضلی حل نشده



عبدالله شریفی

میکند. این موضوع جلال طالبانی را آشفته میکند و در روزنامه خودشان در کردستان نوی شماره «۲۷۷۳» نامه ای سرگشاده و شدیدالحن به حزب رقیب و مسعود بارزانی مینویسد. و در آن از عدم رعایت "قانون" خودشان و قواعد بازی شکوه سر میدهد. از تهدید تا التماس از افشا تا رسوا کردن همدیگر در این نامه جلال طالبانی به وضوح پیدا است. تعقیب این جدل و خواندن این نامه ها برای کسی که اوضاع منطقه و کردستان عراق را دنبال میکند و مردمی که در این ۱۲ سال گذشته خسته در انتظار بسر میبرند، روشنگر وضعیت واقعی این جریانات، ماهیت حاکمیت احزاب کردی و "دولت" خودی میباشد. البته برای نشان دادن جایگاه این نوع اختلافات باید نگاهی به گذشته چند سال قبل داشت. تسلط احزاب ناسیونالیست و اسلامی بر سرنوشت مردم در کردستان عراق محصول جنگ خلیج و معادلات غرب و در راس آن آمریکا در منطقه بود. در ابتدا فریبکاری این احزاب و توهم مردم به آنها امکان داد با وعده تشکیل پارلمان مشترک برای دوره ای مردم را به بازی بگیرند. خیلی زود معلوم شد که پارلمان یک نهاد کارتونی بیش نبود و حتی مرکز تشریفاتی این پارلمان را خود نیروهای تشکیل دهنده به توپ بستند، جنگهای داخلی را به خانه و محل کار و زندگی مرد کشاندند. در کشاندن پای نیروهای مسلح عراق و ایران و ترکیه به مسابقه ای مسخره و درد ناک دست زدند، ویران کردند، کشتند و جامعه و مدنیت جامعه را از وضعیت نا بسامانی که از حاکمیت دولت فاشیستی بعث به جای مانده بود عقب تر بردند. با آمدن قرار ۹۸۶ مرز ابراهیم خلیل و در آمد گمرکات آن برای مدتی موضوع جنگ و کشمکش بین دو حکومت "همریم" شد. پولهای میلیونی عبور نفت از این مرز به ترکیه اصل هدف جنگ و جدال شد. بالاخره با وساطت امریکا و دول منطقه و روابط پنهان و پوشیده به نوعی توافق در تقسیم

سهم رسیدند بدون اینکه این توافق مبتنی بر اصول شناخته شده ای باشد، یعنی سر برآوردن جنگ و جدال و چانه زنی در هر آینده ای محتمل است. خود این نیمچه امکانی که قرار بود به مردم برسد تا از گرسنگی نمرند هم به بازاری برای چپاول مردم و پول اندوزی سران و مسولین احزاب حاکم مبدل شده است. در برگزاری روز جهانی کودک رقابت کردند، مراسمهای دروغین حمایت از کودک برپا داشتند، آنها صرفا برای سهم بیشتر و گرنه همه و مشخصا مردمی که در آن جغرافیا زندگی میکنند میدانند که آنجا از حقوق کودک خبری نیست. کودکان شش ساله برای امرار معاش مجبورند ساعتها تن به کار شاق و دست فروشی بدهند. تازه از مواردی هم که به دست این احزاب میرسد از بازار سیاه و با قیمت گزاف بدست مردم میرسد. این را خودشان هم اعتراف میکنند. جمال عبدالحمید "وزیر" بهداشت پارتی در روزنامه برایی منتشره تاریخ ۳۰ مه ۲۰۰۲ میگوید: "... از ده موردی کمک رسانی دارویی ۲۸ درصد آن به کردستان رسیده که بخش عمده آن داروها در بازار سیاه در شهرهای کردستان بفروش میرسد..." اوضاع در سلیمانیه و منطقه تحت سلطه یکتی هم از این بدتر است. اخیرا شکراب شدن رابطه پارتی با ترکیه و درگیری با حزب ترکمن وابسته به ترکیه، مساله برقی را که از این مسیر تامین میشد به مخاطره انداخت. و قرار شد که برق اربیل را بفروشند، هر چند ناگفته پیدا است که مردم سلیمانیه و حومه که زیر حاکمیت نظامی برق فروشان هستند در ۲۴ ساعته تنها ۴ ساعت حق دارند از منبع برق عمومی استفاده کنند. و بقیه را از شرکتهای خصوصی و با قیمت کلان میخرند. جالب است این اختلاف درست در موقعی سر باز میکند که پز اتحاد و برادری میدهند. بدیهی است که این احزاب هیچگاه پایبند نرمهای جاری در دنیا هم نبوده اند. با معادلات معینی برای اهداف معینی سر کار گذاشته شده

اند. و تازه روز به روز به وخامت اوضاع و فقر و تیرگی شرایط زندگی مردم افزوده میشود. اخیرا انصار حزب الله در کردستان هم منطقه ای برای حاکمیت خود تعیین کرده است. جریان پاک (پارت اسلامی کردستان) که دست پروده همین جریانات ناسیونالیست و با امکان مالی ایران و عربستان و حمایت بیدریغ اتحادیه میهنی سالها است بر سرنوشت مردم نازل شده اند کارش به جایی رسیده که در مقابل نیروهای مسلح خود یکتی عفو صادر میکند و برای تسلیم شدنشان جایزه میدهد. رشد جریانات تروریستی اسلامی، دست دزازی ایران و ترکیه و عراق امری است روز مره که احزاب حاکم در کردستان آن را فعالیت سیاسی و دیپلماتیک تعریف میکنند. شیرازه مدنیت در کردستان عراق به کلی از هم پاشیده است. مساله حقوق زن، حقوق کودک، حقوق مدنی، آزادی بی قید و شرط بیان و عقیده، آزادی تشکل و مطبوعات، مطالبات کارگران، بیکاری، مسکن، آب و برق، تغذیه، مسافرت و آمدو رفت، آموزش و تحصیل، دادگاه و قوانین قضایی، و دهها موضوع دیگر هم چنان حل نشده و پا در هوا میباشند. قوانین اسلامی و عشیره ای با تفاسیر فلان مسئول و فلان ملا زندگی مردم را به تباهی کشیده است. ما بارها گفته ایم که مردم کردستان عراق باید خود سرنوشت خود را حل کنند. باید برای نوع

زندگی خودشان تصمیم بگیرند. احزاب حاکم به مانع جدی تبدیل شده اند. مساله حل نشده مردم کردستان عراق به دست احزاب ناسیونالیست حل نشد و نمیشود. راه حل امکان رفاندوم برای حق تشکیل دولت مستقل راه حل عاجل و ممکن امروز برای برون رفت از این بی سرنوشتی است. مردم باید حق داشته باشند در یک رفاندوم به تشکیل دولت مستقل رای بدهند. احزاب حاکم با میلتریزه کردن جو جامعه امکان رشد اسلام سیاسی و سنتهای عقب مانده مرد سالار و زن ستیز، تداوم فقر و بیکاری و ناامنی اجتماعی امکان حل نشدن مسله کرد را تداوم میدهند. باید به این وضعیت جهنی خاتمه داد. رفاندوم و حق تشکیل دولت مستقل در کردستان قلمی از صدها اقدام انسانی و آزادیخواهانه است که کمونیسم کارگری طرح کرده است. باید به این راه حل پیوست، آنرا انتخاب و اتخاذ کرد تا مشکل آویزان بودن وضعیت مدنی و زندگی اجتماعی را در کردستان عراق حل کرد. بقای احزاب عشیره ای حاکم و جدالهای قدرت بین آنها بر بستر تداوم وضع ناپایدار زندگی مردم ممکن است و اینها به نوبه خود برای حفظ شرایط موجودیت خویش کردستان عراق را بیش از پیش از هر نوع موازین مدنی دور و دورتر نگاه میدارند.

۱۲ ژوئن ۲۰۰۲



از سایت روزنه دیدن کنید!

www.rowzane.com

در سایت روزنه میتوانید نشریات و اطلاعاتی های سازمان های سیاسی، مقالات متعددی از شخصیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و گزیده ای از مطالب نشریات چاپ ایران را مطالعه کنید. از طریق سایت روزنه میتوانید به سایت کلیه احزاب و سازمان های اپوزیسیون، به رادیوهای فارسی زبان، و به نشریات چاپ ایران دسترسی پیدا کنید.

مطالب، اطلاعاتی ها و

نظراتتان را برای روزنه

rowzane@yahoo.com

بفرستید.